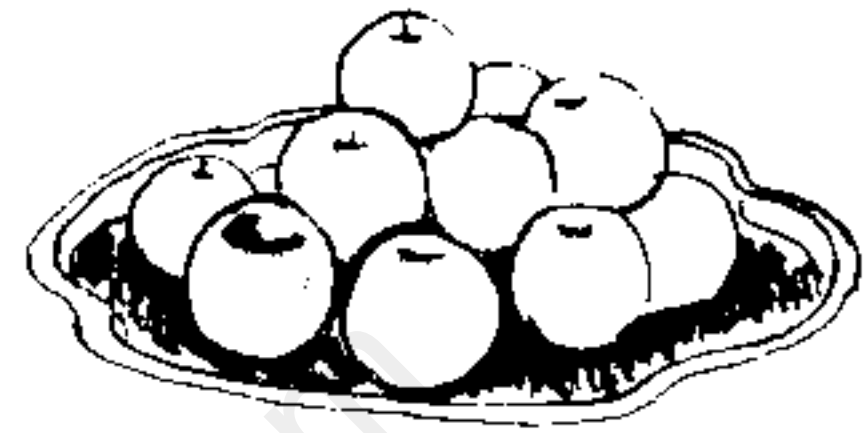


آن سبزه است .  
آن سبزه پُر از انار است .



این سینی است .  
این سینی پُر از سیب است .

زیور از سینی سیب برمی دارد .  
زیبا از سبزه انار برمی دارد .

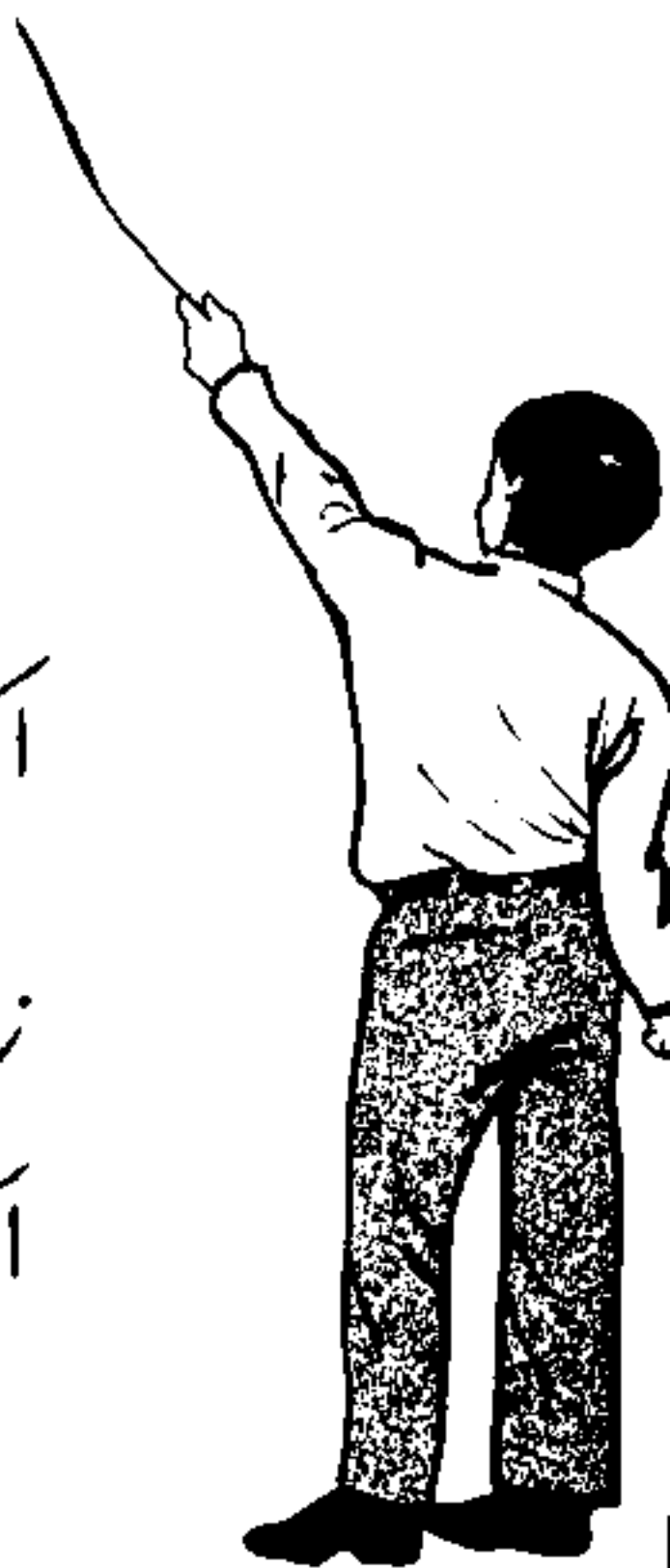




زری بادبازگ دارد .

اکبر بادبازگ دارد .

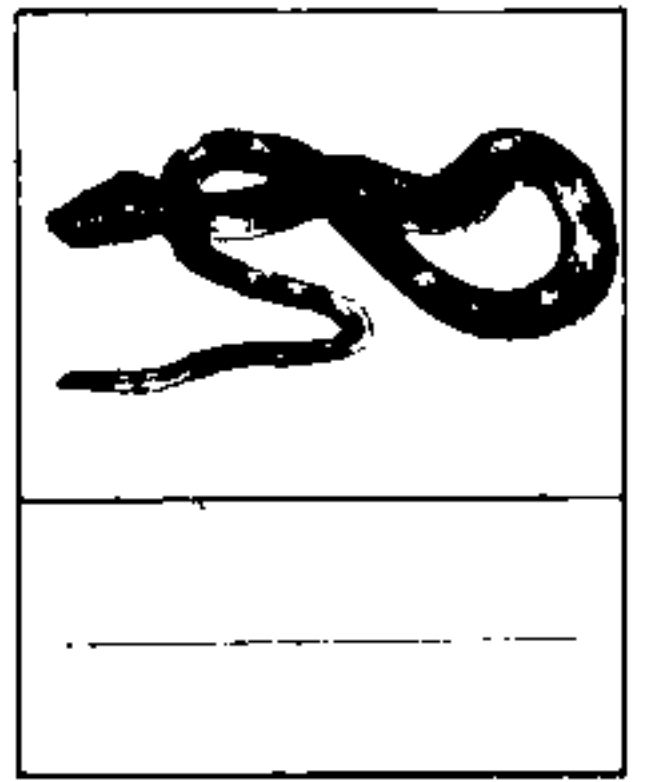
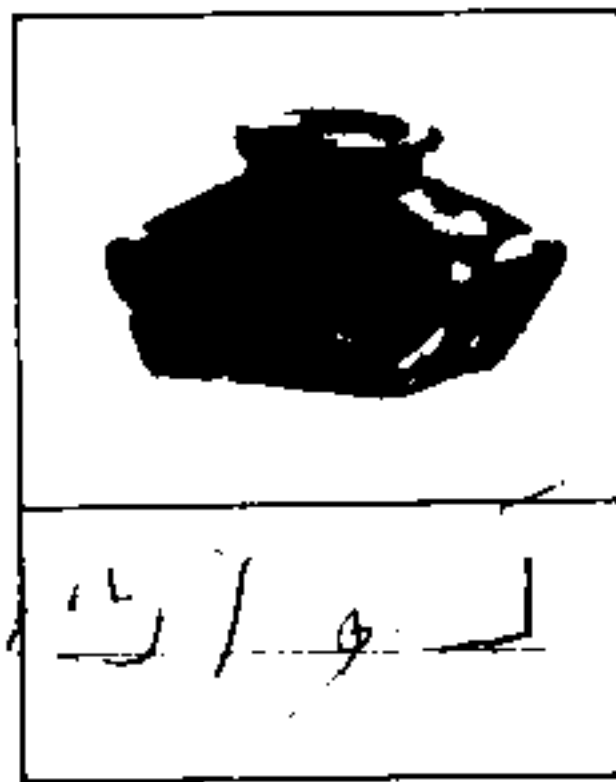
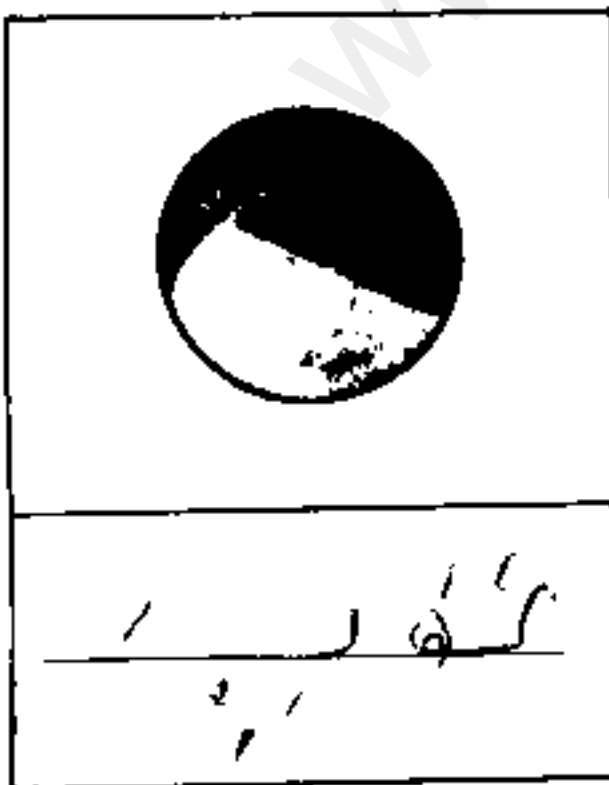
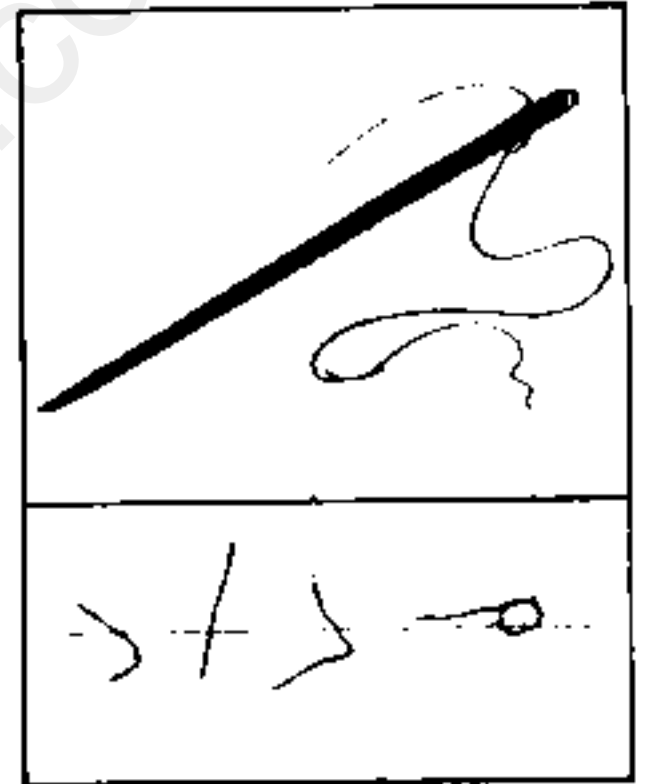
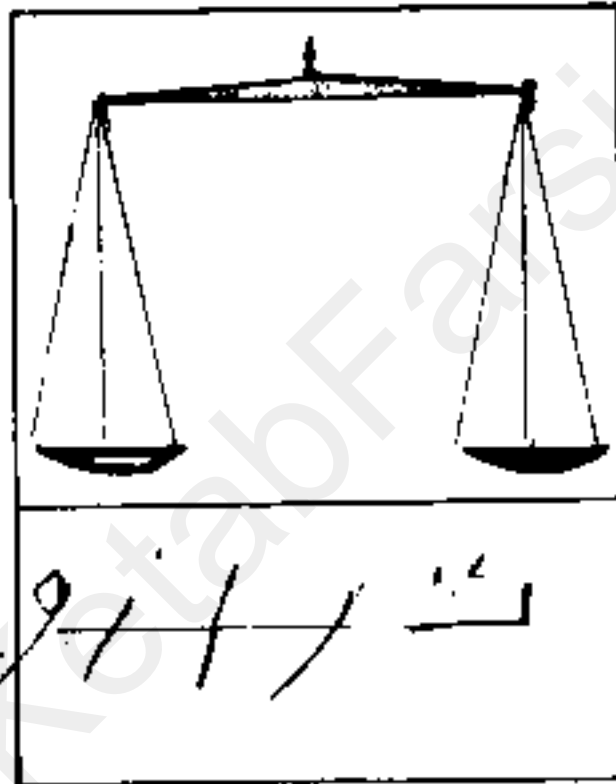
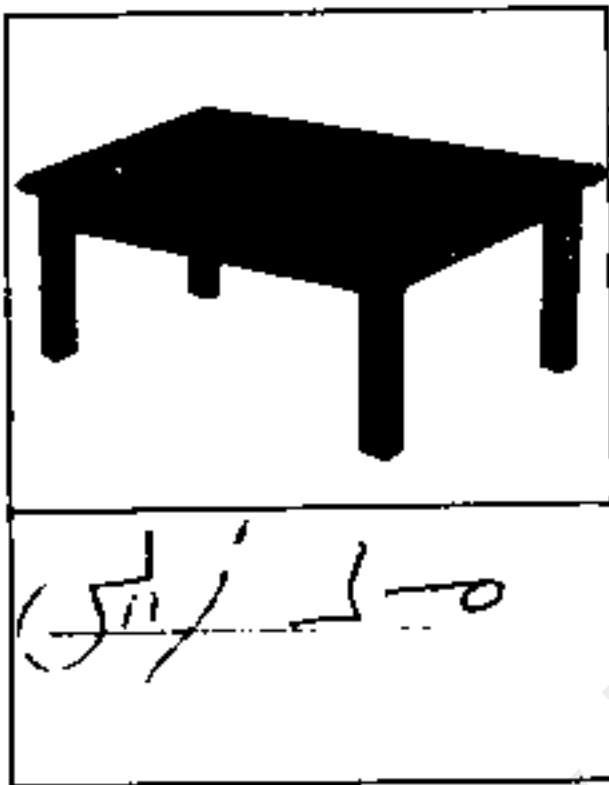
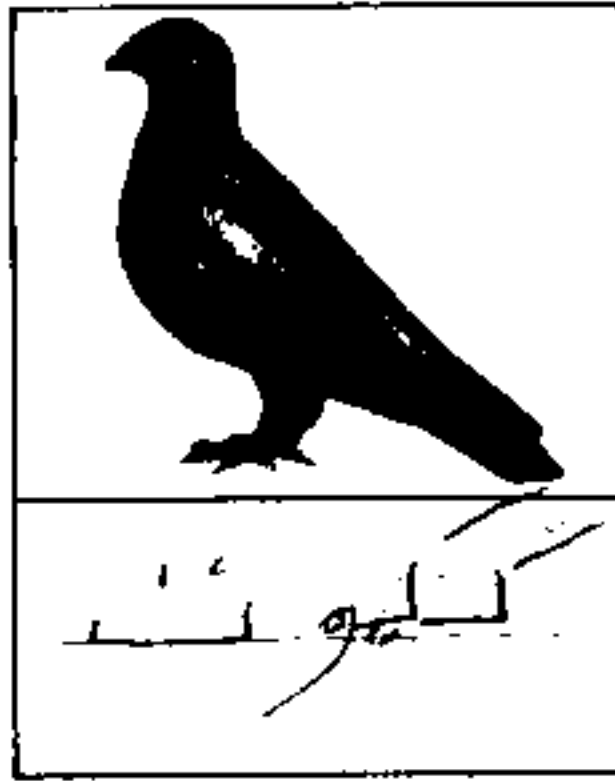
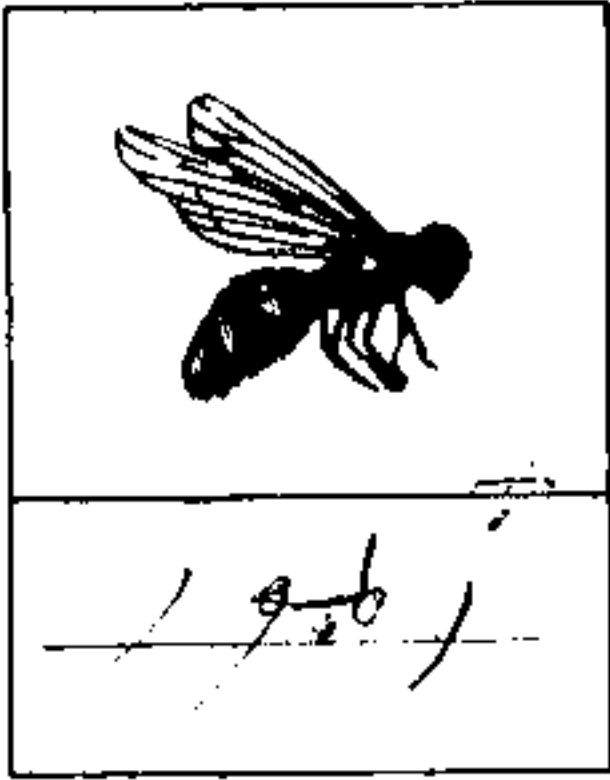
اکبر و زری بادبازگ



اکبر بازی می کند .

زری بازی می کند .

اکبر و زری بازی





امروز باران بارید.

امروز باران تُوَنَد بارید.

من در دَبِسْتان بودَم.

من از دَبِسْتان آمَلَم.

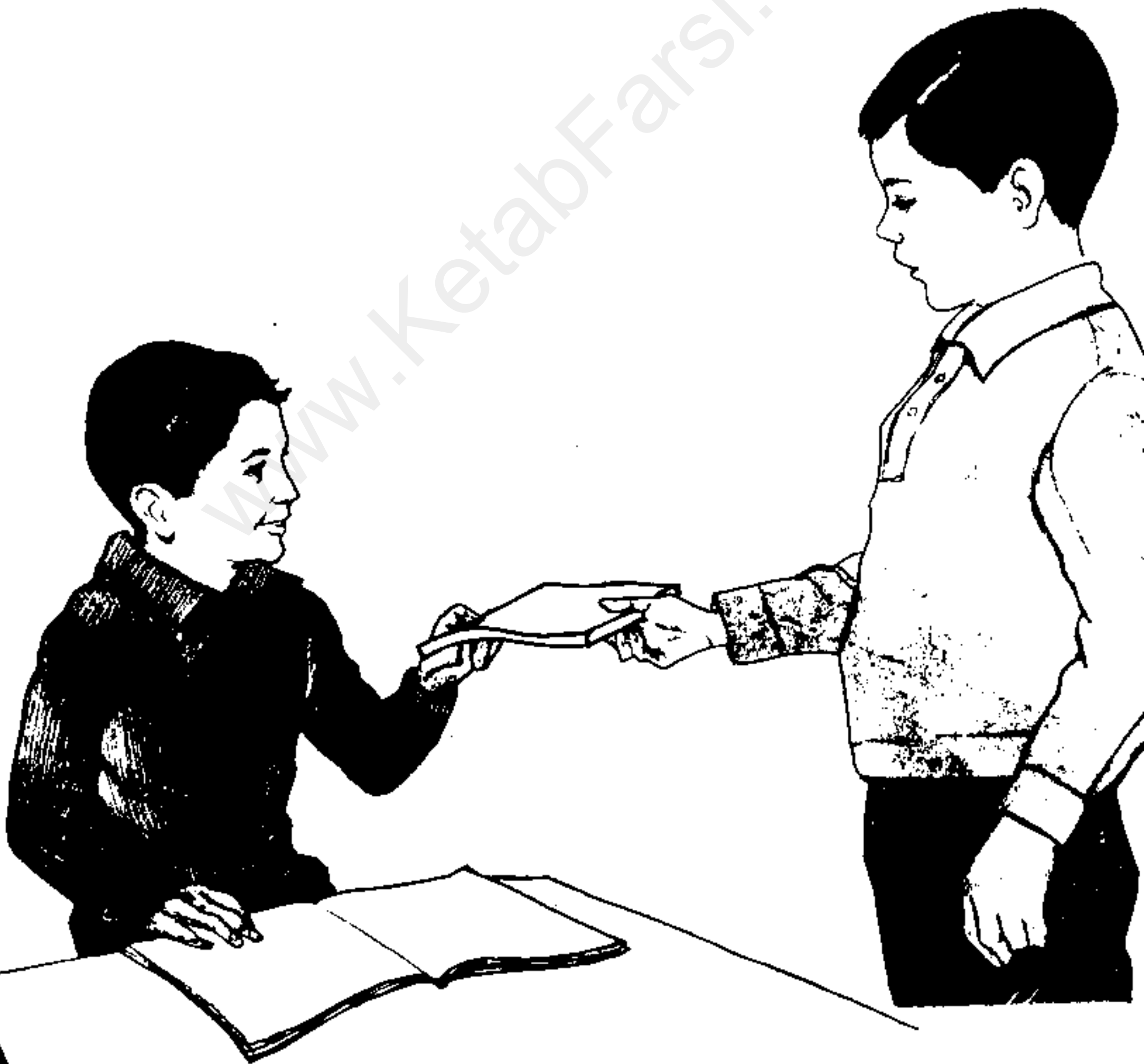
من تُوَنَد آمَلَم.

اسم این پسر نادر است .

دارا دوست نادر است .

کتاب دارا در دست نادر بود .

نادر کتاب او را پس داد .



سارا سه روز بیمار بود .

امروز سارا به دبستان می رود .

مادر سارا به مدیر دبستان نامه

می نویسد .

او به مدیر می نویسد که سارا بیمار

بوده است .

ه ه





دارا از بازار میخ خرید .

دارا از بازار تخته خرید .

او میخ و تخته را به خانه برد .

او با تخته و میخ میز ساخت .

دارا میز خوبی ساخت .

مِخ

مادرِ سارا آتش می‌پزند.

سارا به مادرش کمک می‌کند.

سارا سبزی را پاک می‌کند.

مادر سبزی را در آتش می‌ریزد.

آتش پخته می‌شود.

سارا آتش را دوست دارد.

شش







دارا در خانه کار می‌کند .

او با تخته و میخ

بازی می‌سازد .

او با تخته و میخ

سباب بازی می‌سازد .



سارا در خانه کار می‌کند .

او به مادرش کمک می‌کند .

دارا نامه می نویسد  
او به دوست خود  
نامه می نویسد .

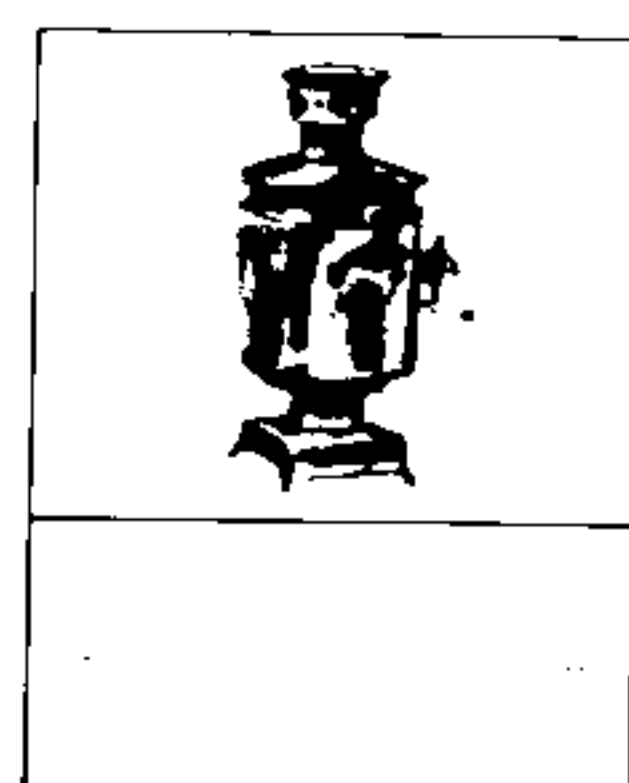
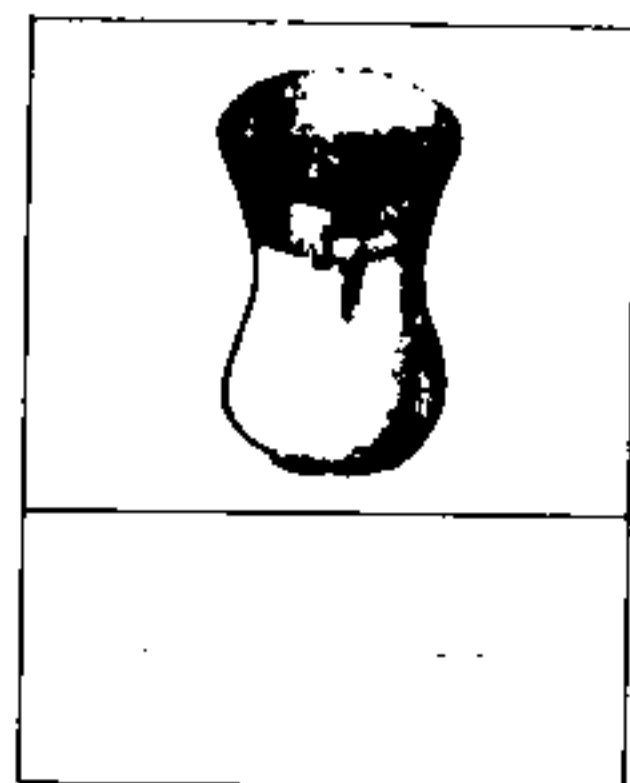
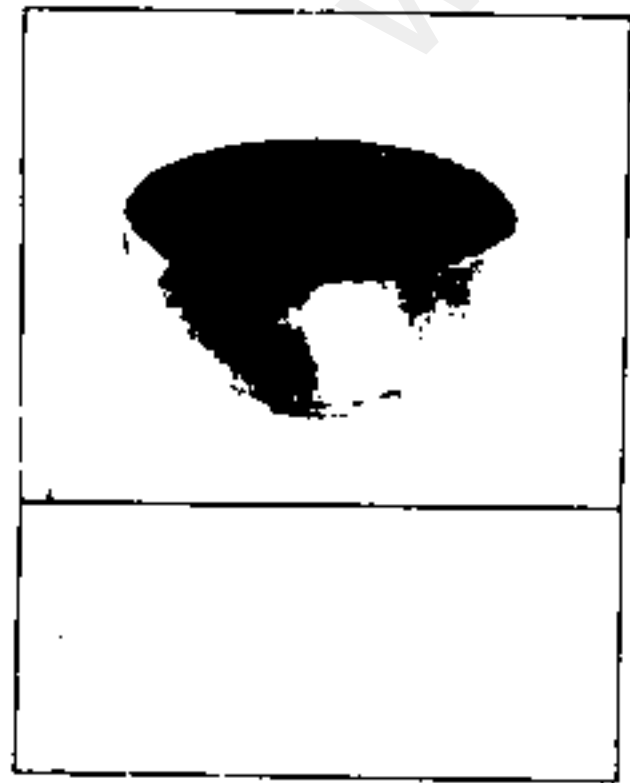
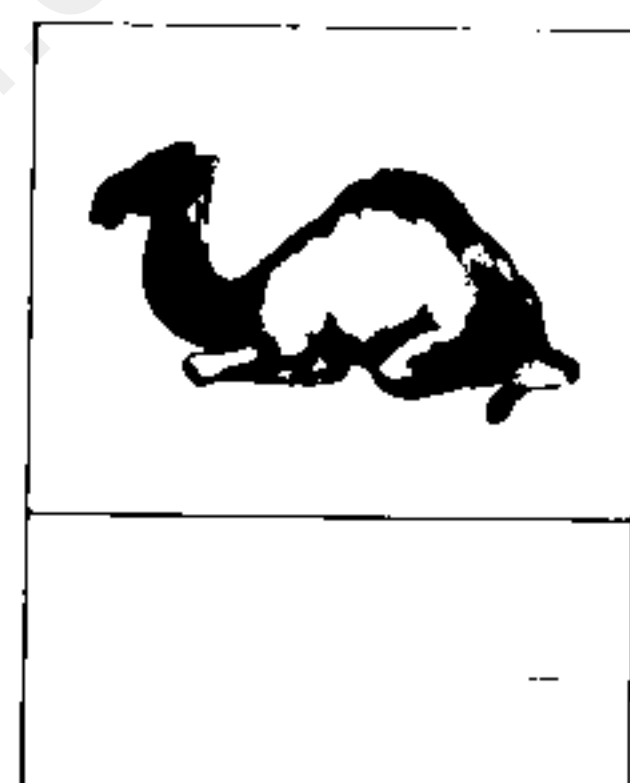
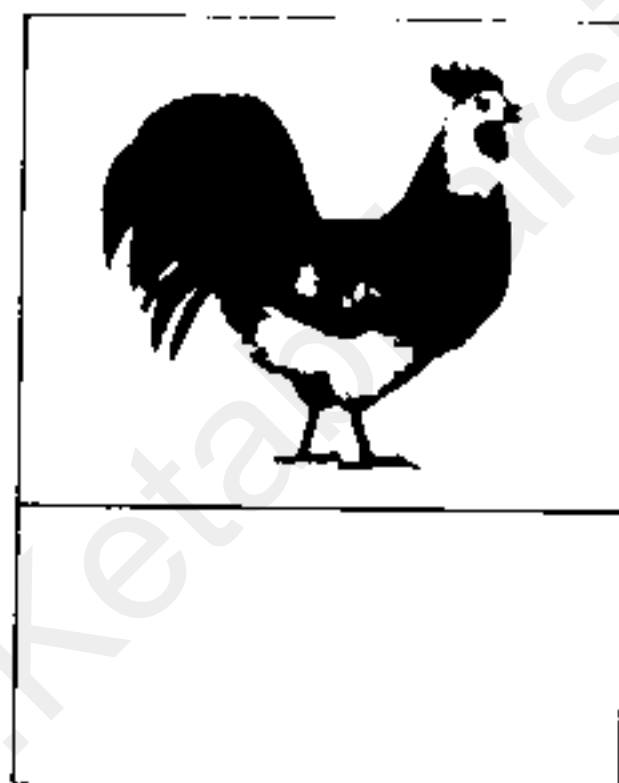
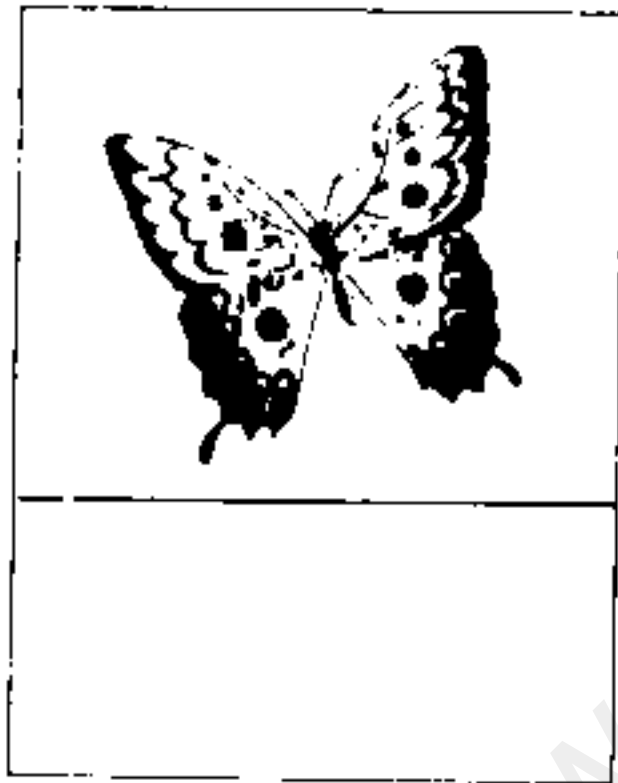
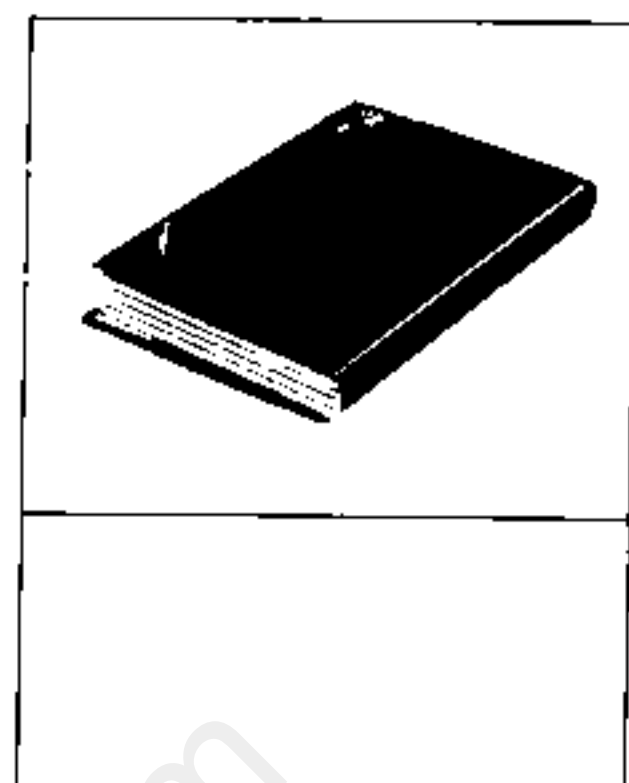
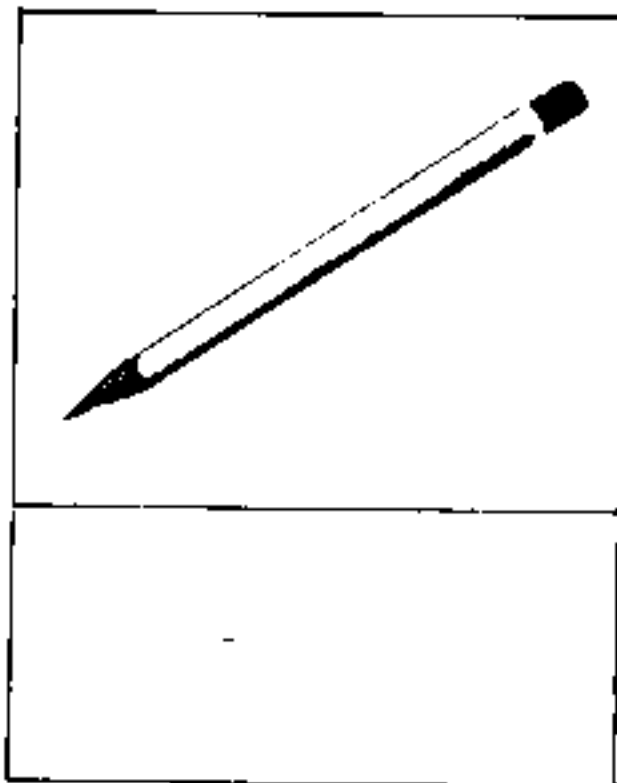
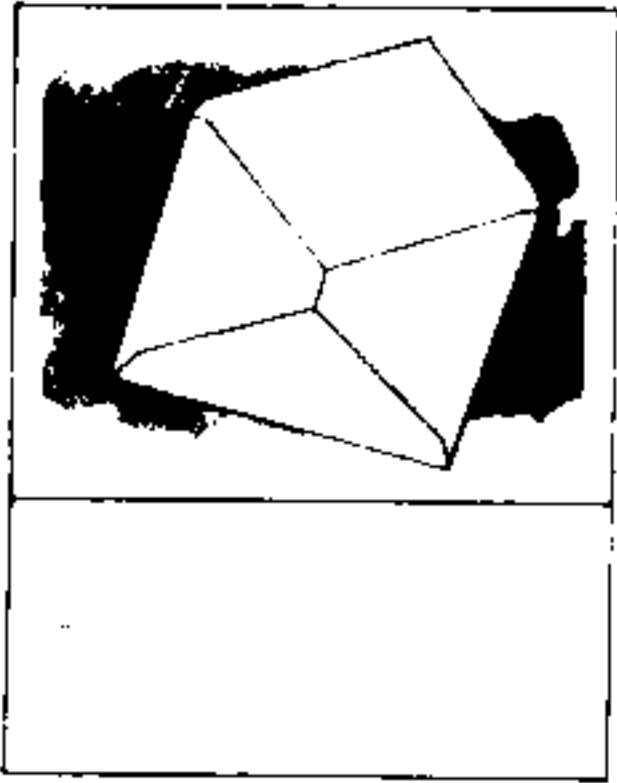


بابا نامه .....  
او ..... دوست خود  
نامه می نویسد .



مادر ..... می نویسد .  
به ..... خود  
نامه می نویسد .





دیروز برف بارید.

برف زمین را سفید کرد.

پرویز و نادر برف بازی کردند.

دارا با پرویز و نادر برف بازی کرد.

ف ف





زنک دِیستان را زدنند .

دارا و سارا به خانه برگشتند .

پدر بزرگ به دیدن سارا و دارا آمده

بود .

دارا و سارا با پدر بزرگ به گردش

رفتند .

گ گ

دارا و سارا تا شب گردش کردند.

پدر بزرگ از بازار برای دارا و سارا

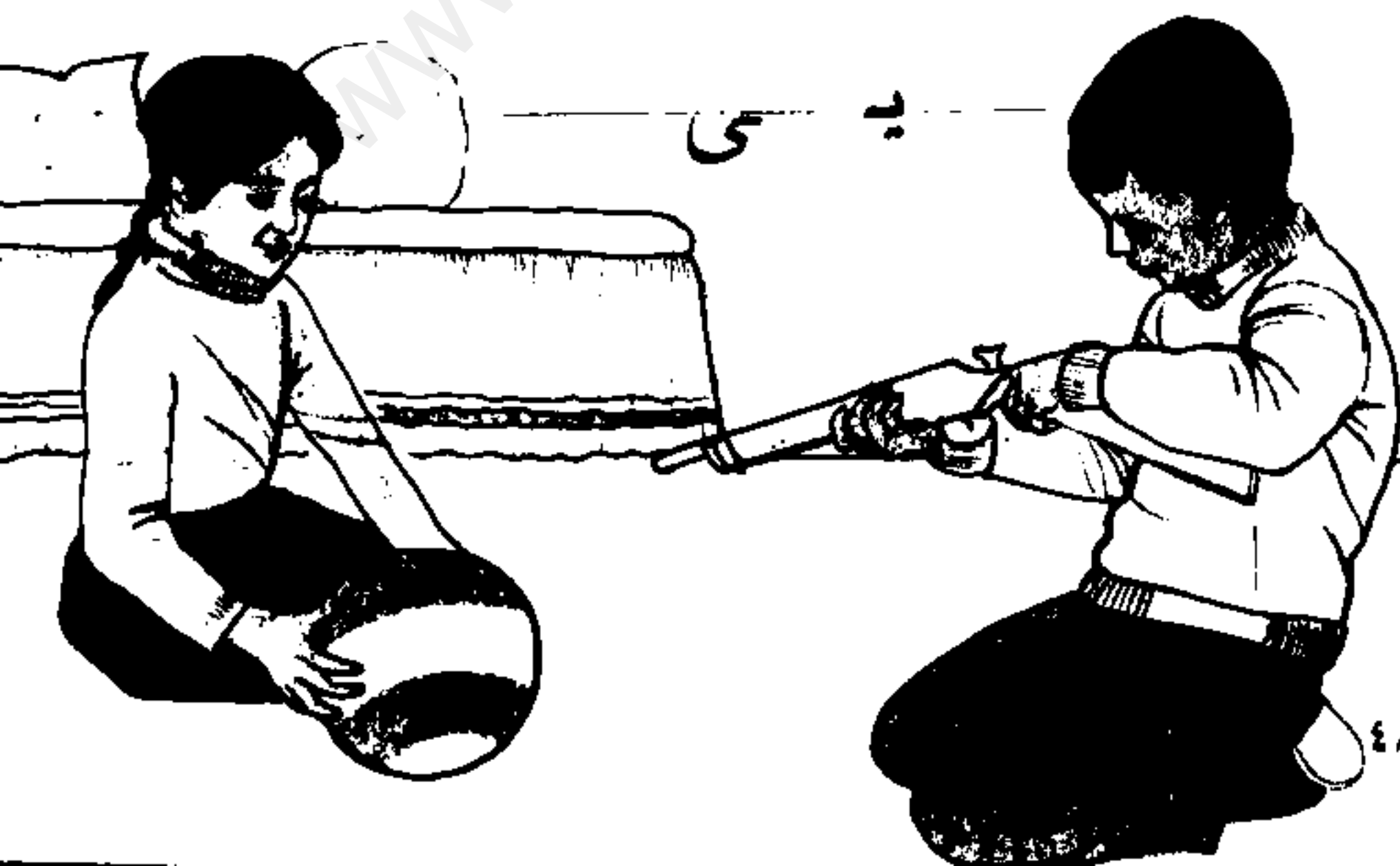
اسباب بازی خرید.

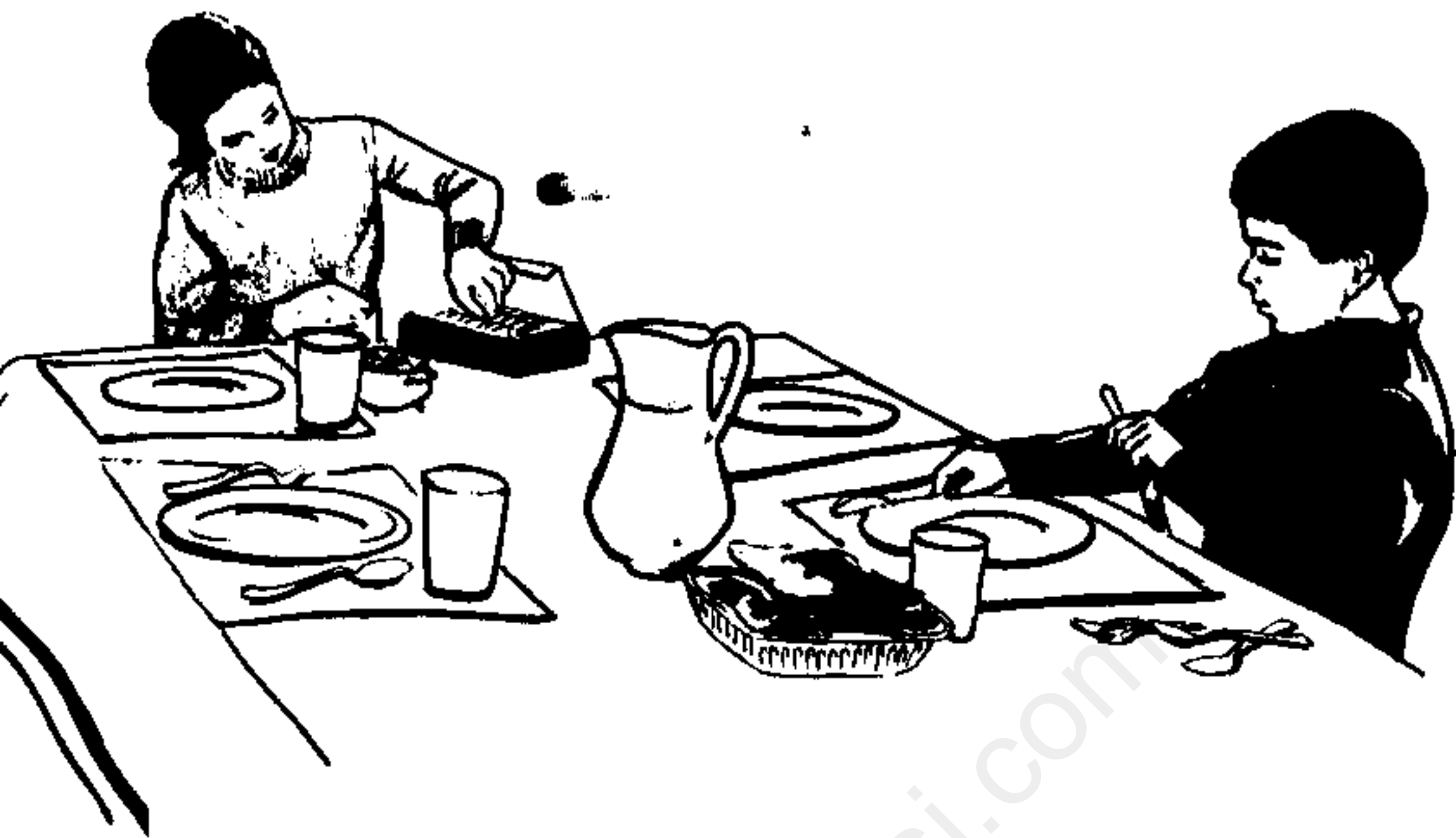
برای دارا یک تفنگ خرید.

برای سارا یک توپ خرید.

سارا و دارا با پدر بزرگ به خانه

برگشتند.





سارا و دارا به مادر کُک می کنند .

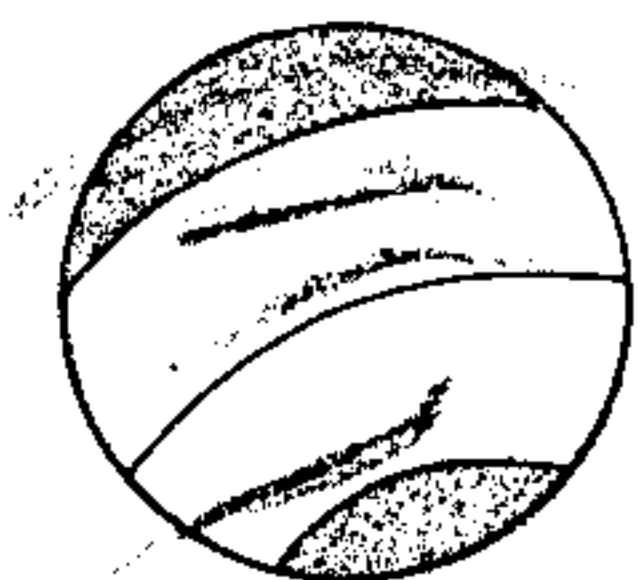
سارا سفره را به اتاق می آورد .

دارا بُشَماب و قاشق را به اتاق

می آورد .

سارا قَنَدان را پُر از قَنَد می کند .

ق ق



سارا یک توپ دارد.

توپ سارا قشنگ است.

توپ سارا سبز و سفید و سرخ است.



دارا یک تفنگ دارد.

تفنگ دارا قشنگ است.

دارا و سارا با توپ و تفنگ خود بازی

میکنند.



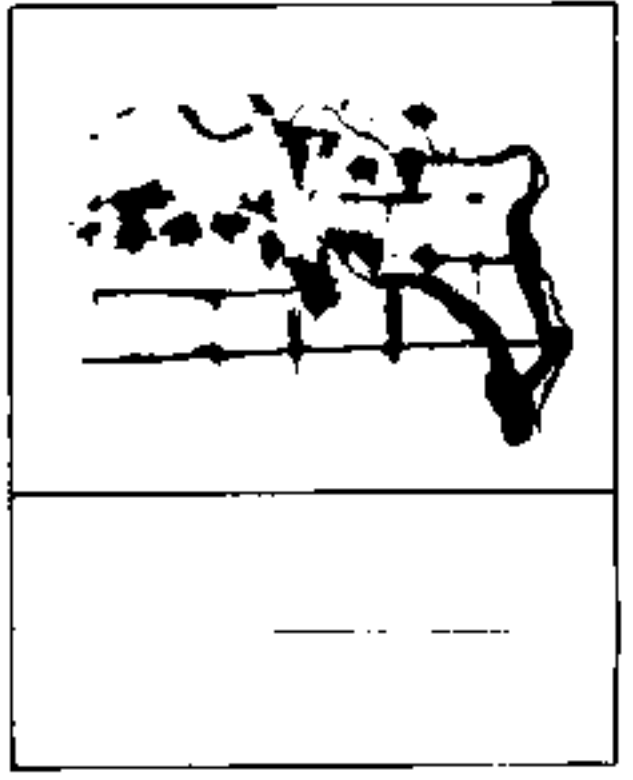
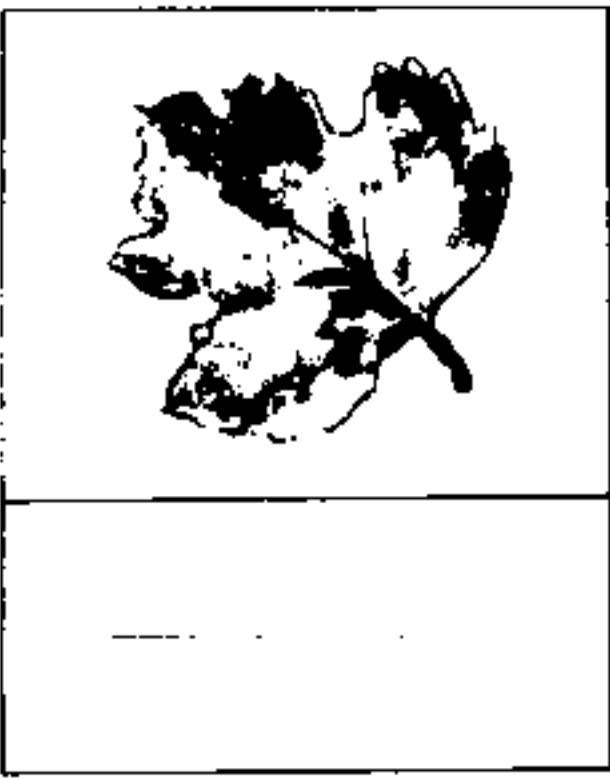
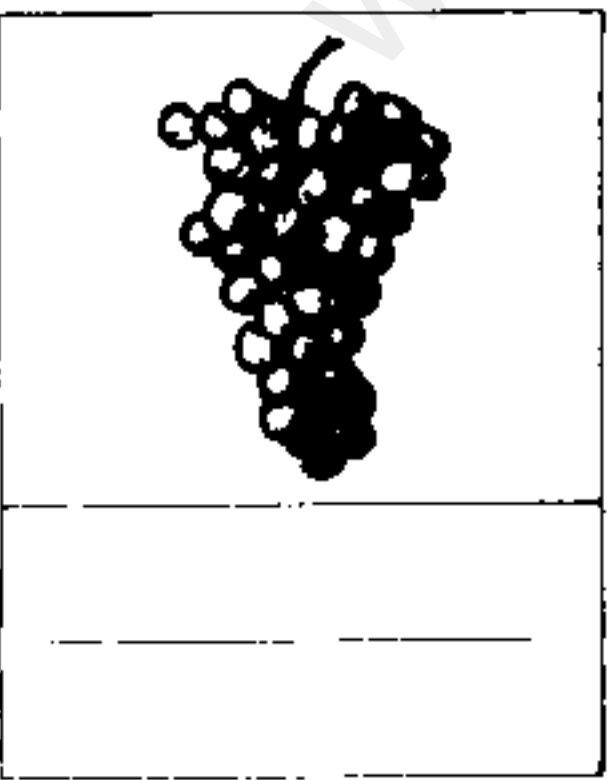
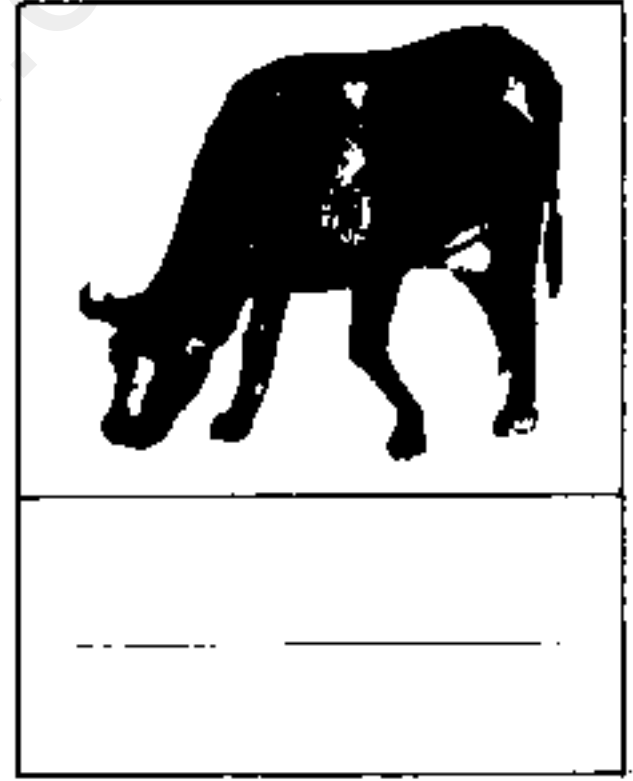
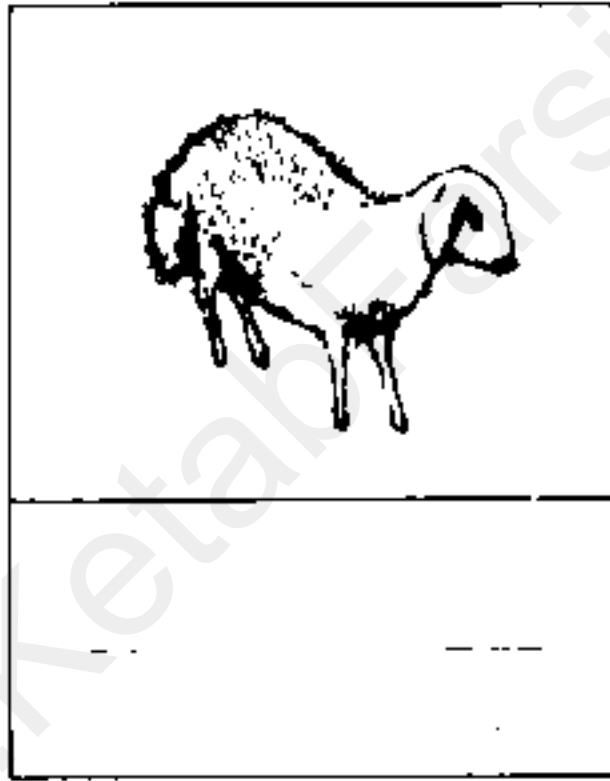
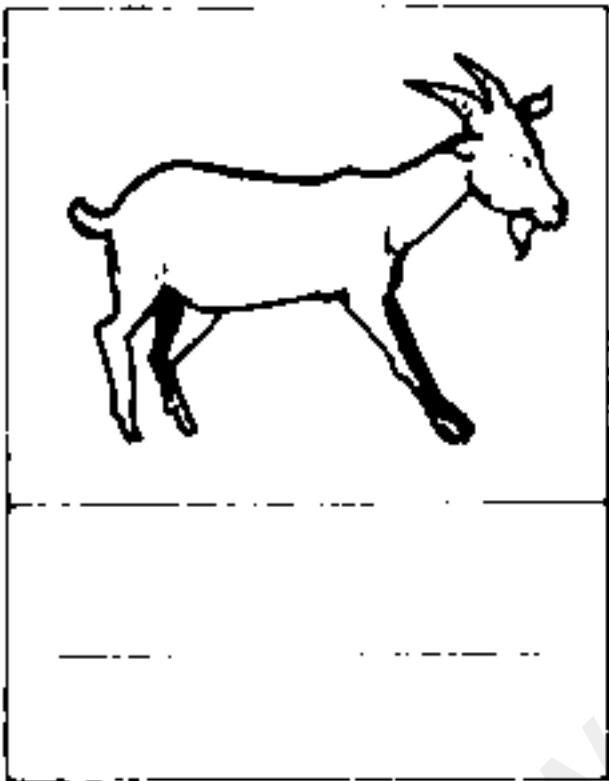
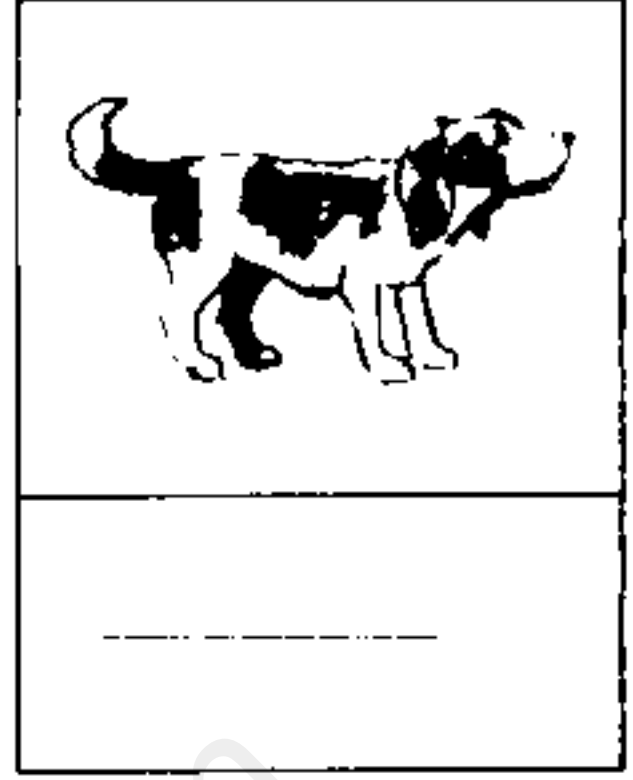
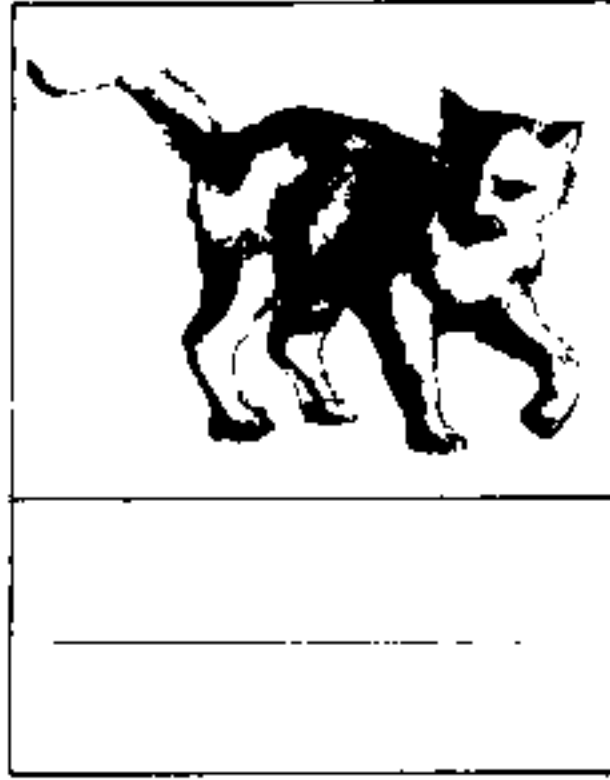
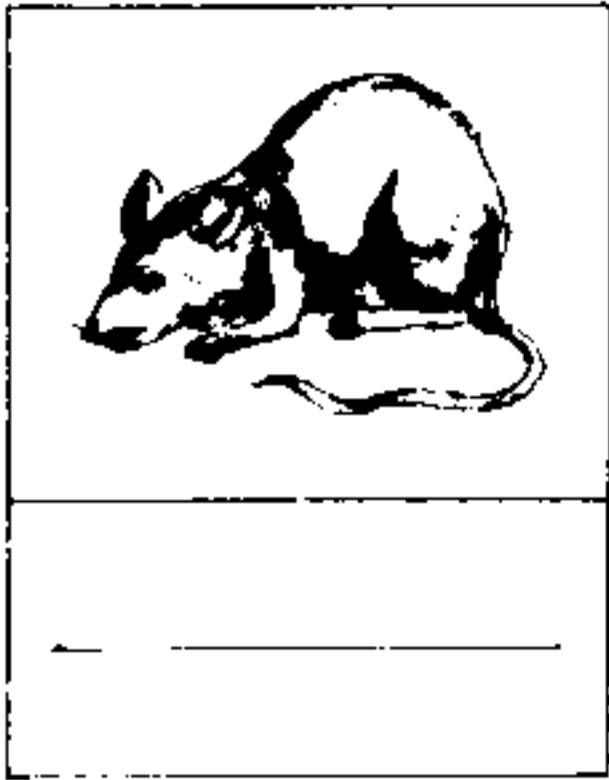
دارا به گردش می رود .  
سارا به گردش می رود .  
دارا و سارا به گردش می روند .  
دارا و سارا با پدر و مادر خود

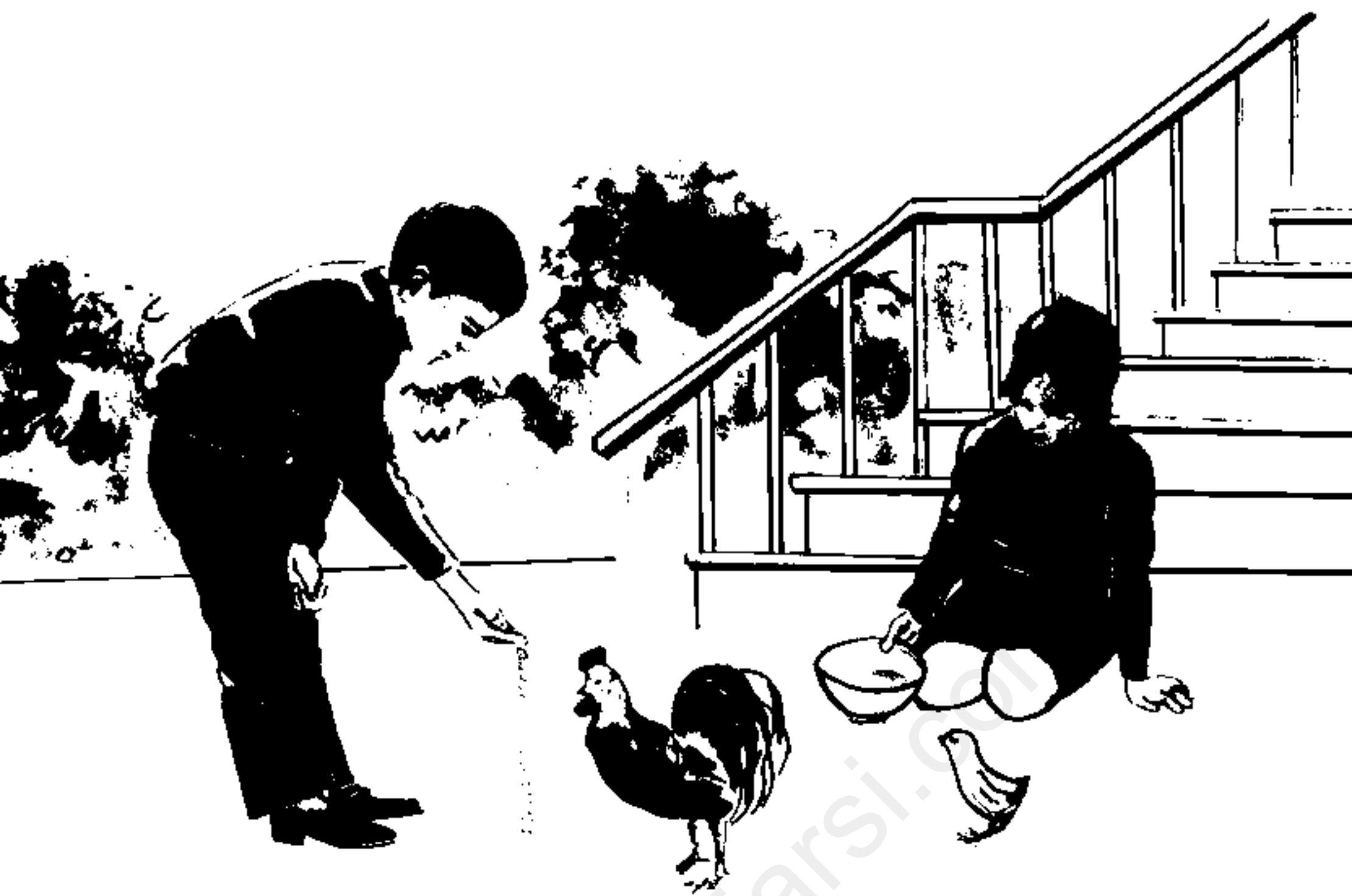
به



دارا و سارا به مادر کُک می کنند.  
مادر بُشقاب و قاشق را می شوید.  
دارا بُشقاب و قاشق را خُشک می کند.  
مادر قندان را می شوید و خُشک می کند.  
سارا قندان را به اتاق می بَرَد و پُر از  
قند می کند.







سارا یک جوجه دارد .

دارا یک خروس دارد .

خروس تاج دارد .

جوجه تاج ندارد .

تاج خروس قشنگ است .

ج ج

سارا جوچه خود را دوست دارد .  
سارا برای جوچه خود آب می برد  
سارا برای جوچه خود دانه می برد .  
او دانه را روی زمین می ریزد .  
جوچه به زمین نوک می زند و  
دانه می خورد .



دیروز رسید - نزدیک دبستان است -

سفید - شیرین - می خورد - آب است -

جوجه | جوجه سارا دانه گندم و

جورا

میوه درخت توت - است -

رنگ سفره ها - است -

کوزه آب پراز

نامه دوست من

خانه ها

شب بود . ماه پشتِ ابر بود . دراز  
سارا به آسمان نگاه می‌کردند . آنها  
و ستاره‌ها را نمی‌دیدند . همه جا  
یک بود .

باد ابرها را برد . ماه از پشتِ ابر  
رون آمد . مهتاب زمین را روشن  
د . سارا گفت : به به ! مهتاب همه  
را روشن کرده است .

ه ه ه ه ه

سارا و دارا با پدر و مادر خود در بازار هستند. آنها در بازار خرید می‌کنند.

پدر سارا و دارا پول می‌دهد و برای آنها لباس می‌خرد.

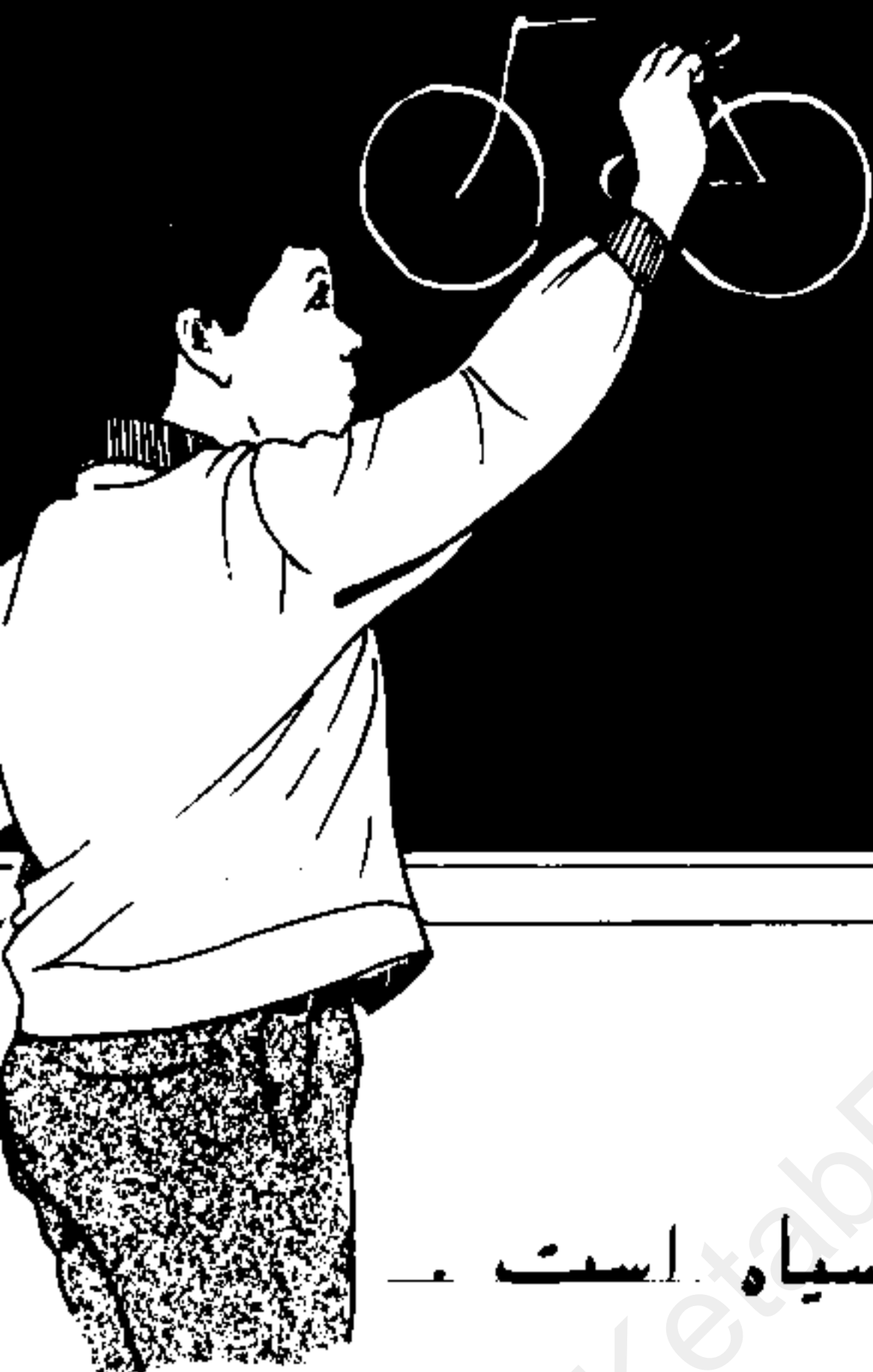
لباس سارا یک پیراهن است. پیراهن سارا گل‌های قشنگ دارد.

لباس دارا کت و شلوار است. کت و شلوار دارا هم قشنگ است.

ل ل







دارا کنارِ تخته سیاه است .

او گچ در دست دارد .

او با گچ شکل می‌کشد .

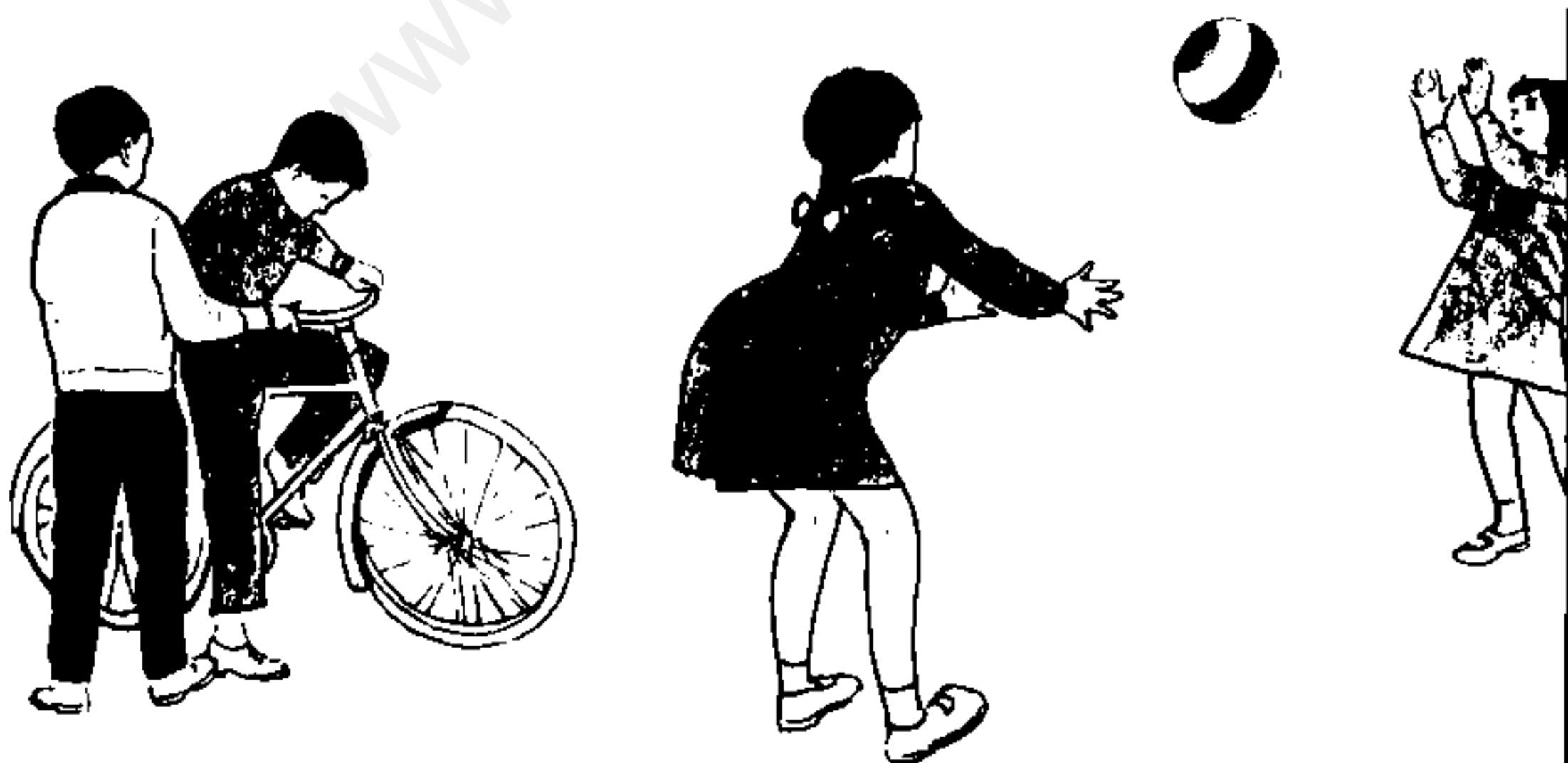
او شکل یک دوچرخه می‌کشد .

دارا دوچرخه سواری را دوست دارد .

چ چ

بیژن و ژاله با دارا و سارا همسایه  
هستند. آنها با هم بازی می‌کنند.  
دارا یک دوچرخه کوچک دارد. دارا  
به بیژن دوچرخه سواری یاد می‌دهد.  
ژاله و سارا با هم توپ بازی می‌کنند.  
این چهار نفر با هم هلبازی هستند.

ش



ٲاله ڪنارِ تخته سياه  
است. ٲاله شڪل هي ڪشڻ

او روي تخته سياه  
شڪل هي ڪشڻ. او با ڪشڻ  
شڪلِ يڪ گل هي ڪشڻ



سارا هي نويسر. او  
روي ————— هي نويسر  
او با ————— روي  
تخته سياه هي نويسر

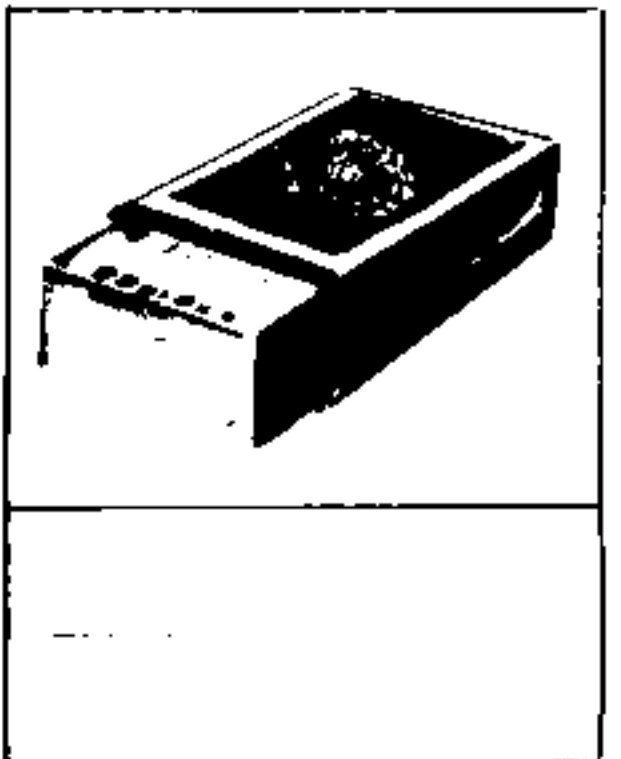
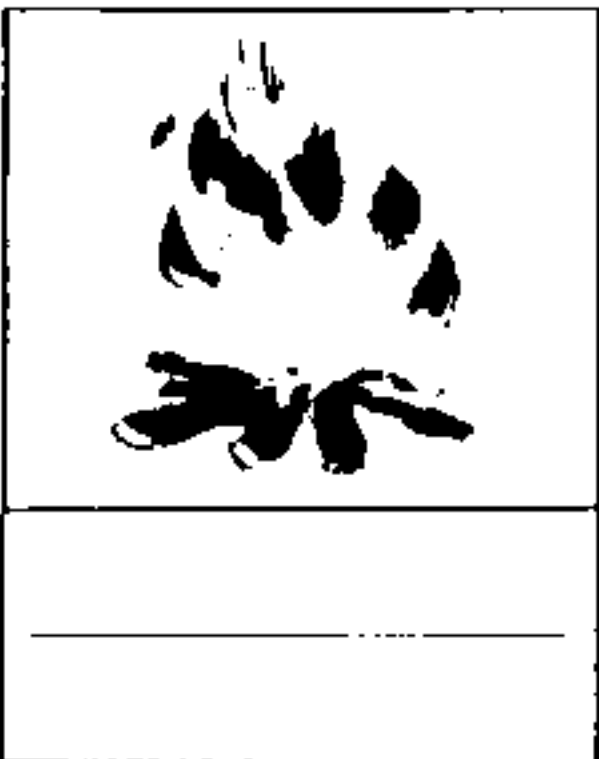
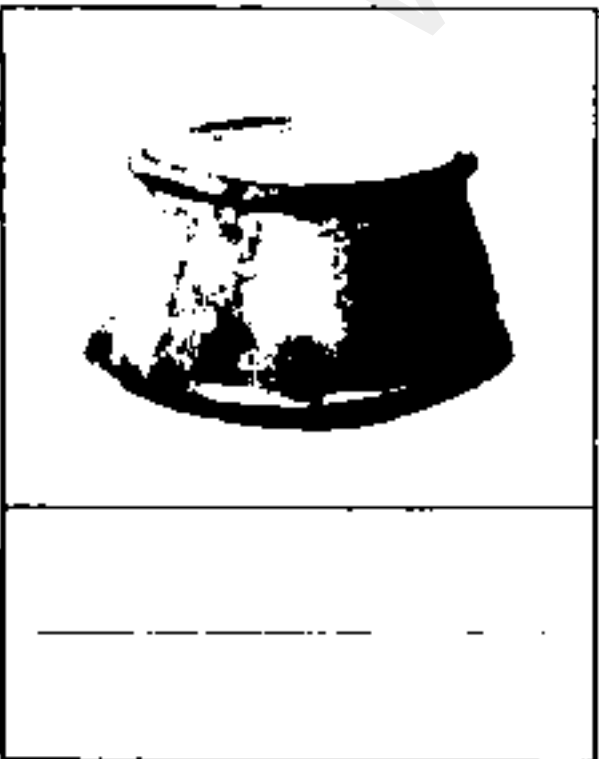
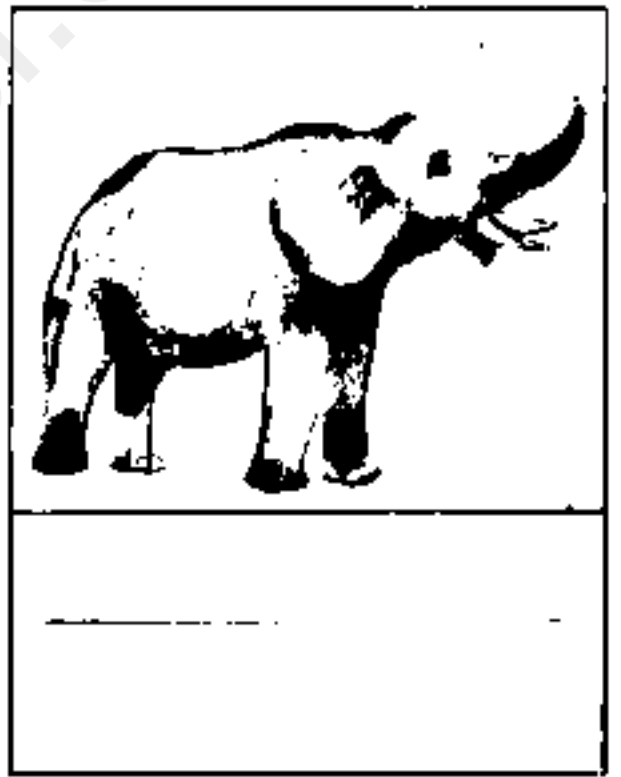
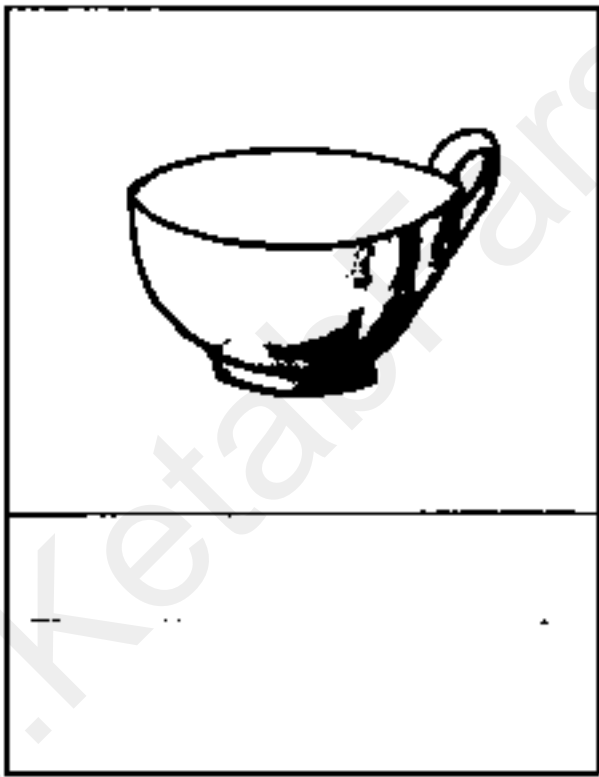
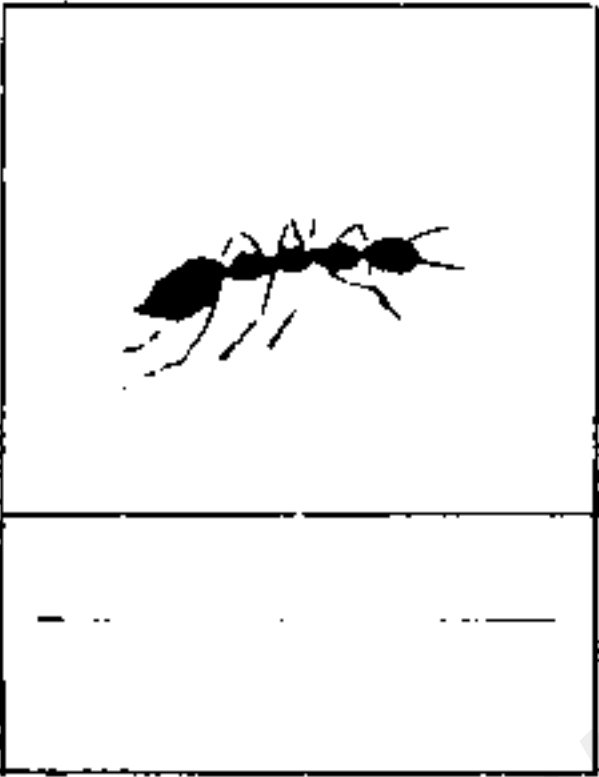
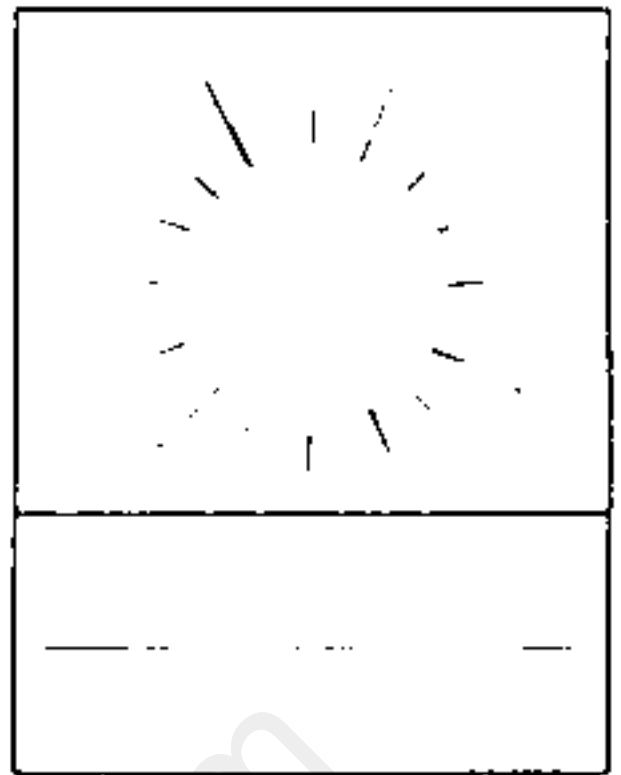
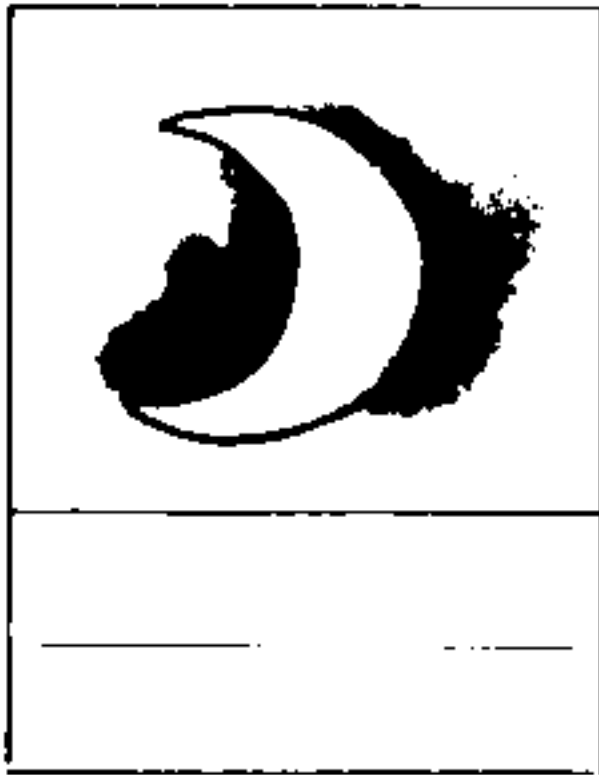
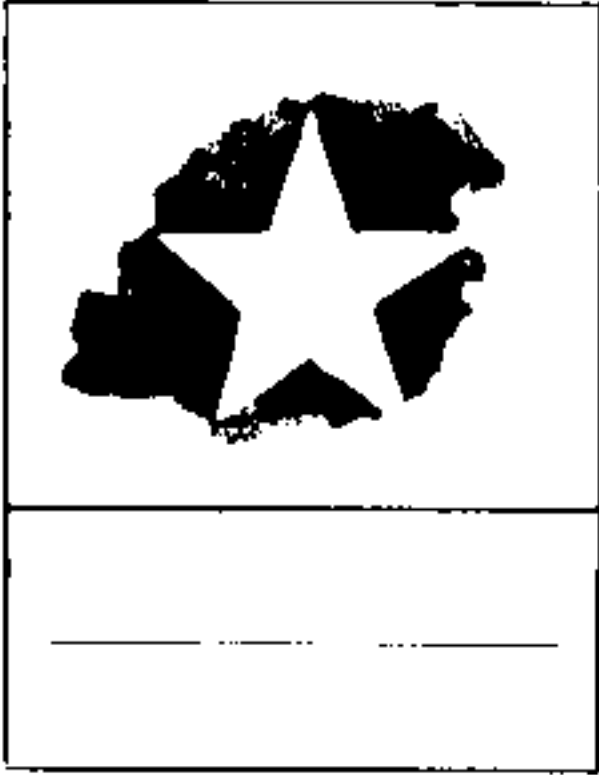




خورشید زمین را  
روشن می‌کند. روز که  
خورشید می‌تابد، آفتاب  
زمین را گرم می‌کند.  
روزهای آفتابی گرم  
و روشن است.

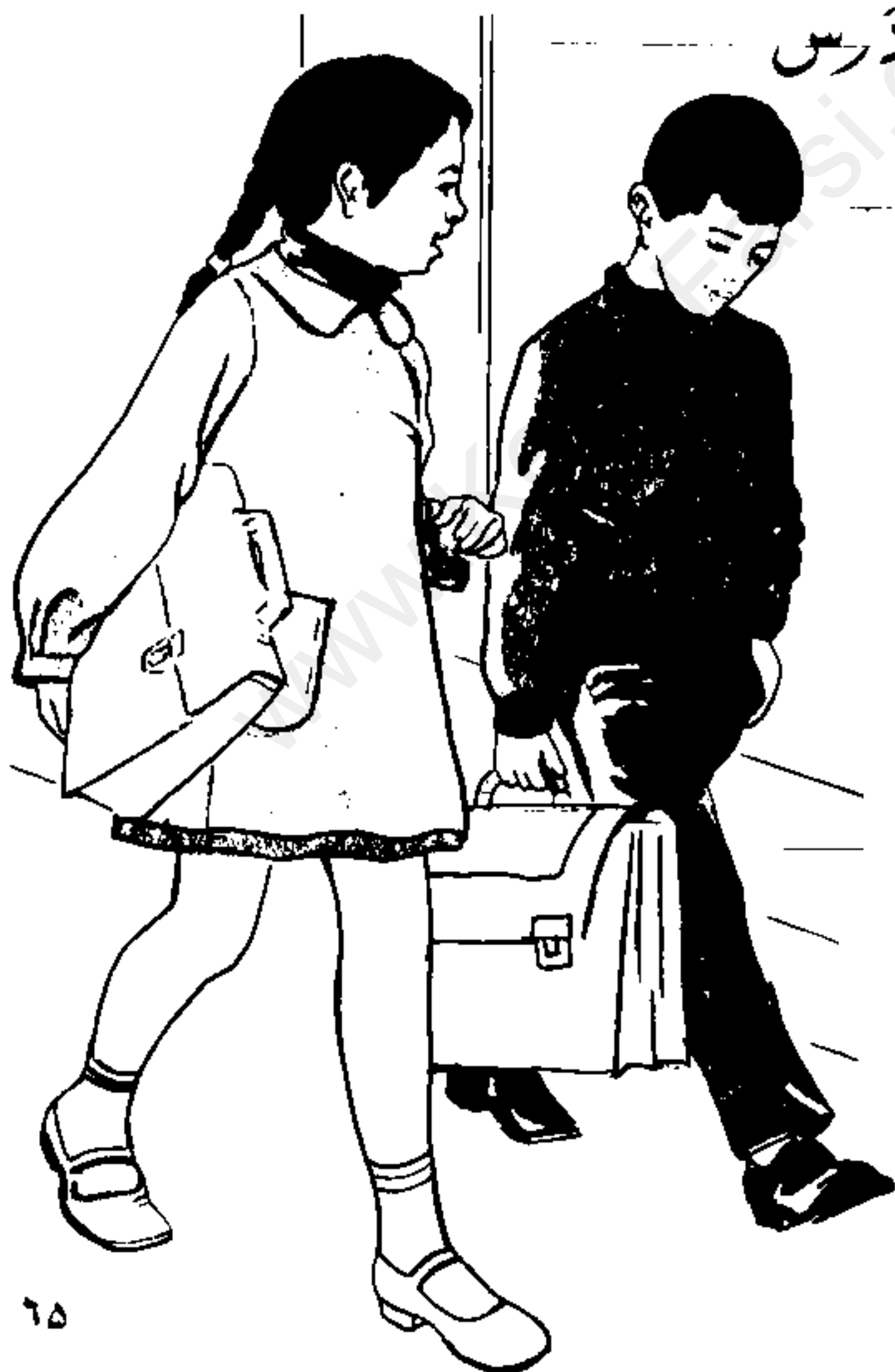


شبهایی که ماه می‌تابد،  
مهتاب زمین را روشن  
می‌کند. شبهایی که ماه  
نمی‌تابد، تاریک است.



سارا و دارا خواهر و برادر هستند. آنها  
با هم به دبستان می‌روند. آنها در  
دبستان درس می‌خوانند. این خواهر و

برادر خوب درس  
می‌خوانند.



خواهر ← نما



سارا شاگردِ کلاسِ اوّل است .

دارا شاگردِ کلاسِ دوّم است .

سارا در کلاسِ اوّل درس می خواند .

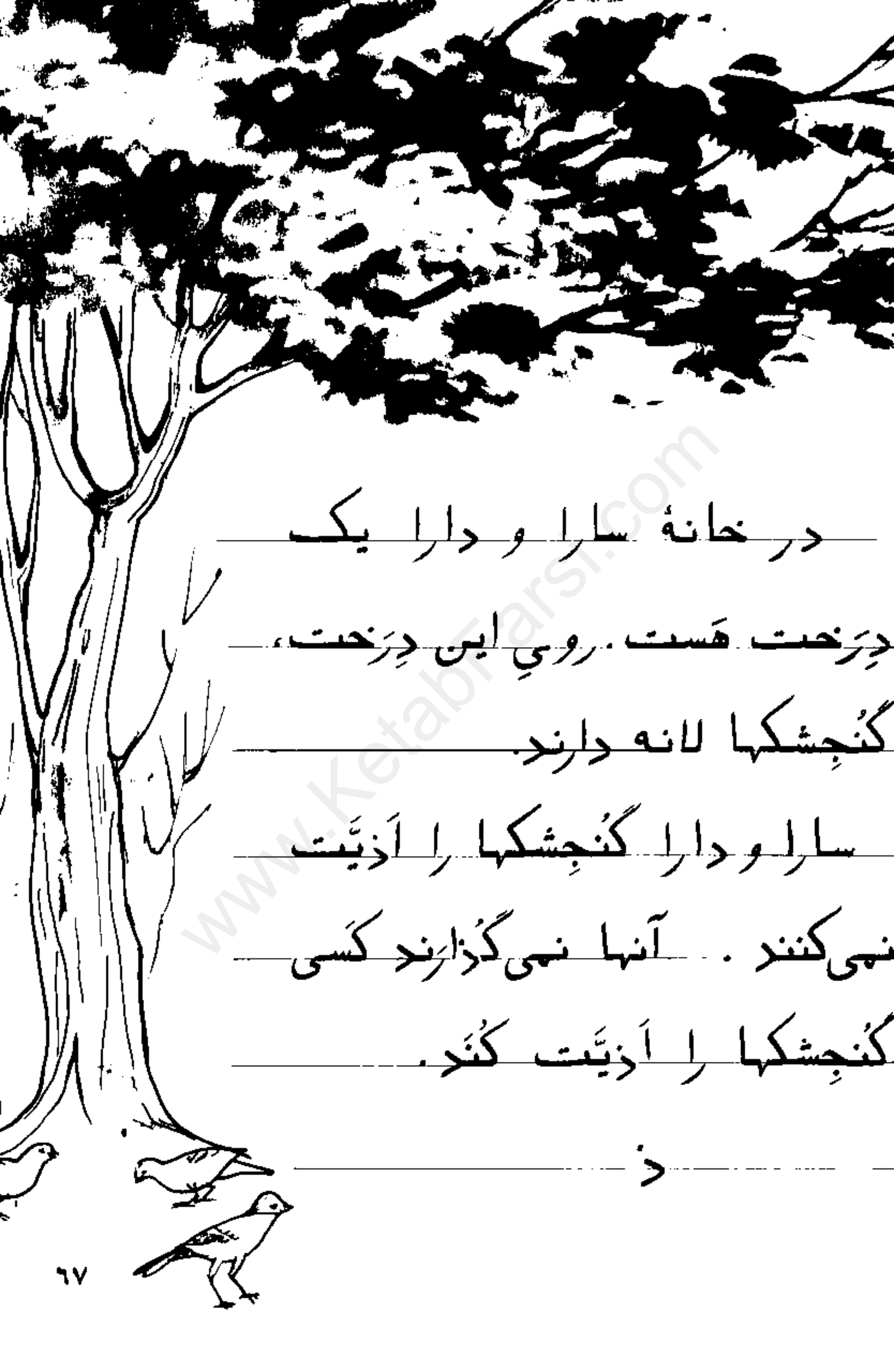
دارا در کلاسِ دوّم درس می خواند .

این خواهر و برادرِ بچه های خوبی

هستند .

بچه های خوب را همه دوست دارند .





در خانه سارا و دارا یک

درخت هست. روی این درخت،

گنجشکها لانه دارند.

سارا و دارا گنجشکها را از بیت

نهی کنند. آنها نمی گذارند کسی

گنجشکها را از بیت کند.

د

دارا و سارا زود از خواب بیدار  
می‌شوند: آنها دست و صورت خود را  
با آب و صابون می‌شویند. هر یک از  
آنها مسواک مخصوص به خود دارد. آنها  
با مسواک مخصوص به خود دندانها را  
مسواک می‌کنند.

ص ص





دار و سارا صُبحِ زود از خواب

بیدار می شوند. هر روز صُبح دست و

صورتِ خود را با آب و صابون

می شویند. دندانها را مسواک می کنند.

دست و صورت را با حوله خشک

می کنند. لباس می پوشند. صُبحانه می خورند

و به دبستان می روند.

ح ح